

تاریخ چپ در کردستان و تحولات کومه له مصاحبه با محمد آسگران



تحولات آن هم اینطور است. چپ و راست و ناسیونالیسم و ... تحولاتشان در کردستان همیشه تحت تاثیر مسائل سراسری در ایران بوده است. چپ کردستان از ابتدا کردستانی و محلی شکل نگرفت که ویژگی منطقه ای و محلی داشته باشد. این روند تا سال ۵۷ و تحولات بعد از انقلاب به عنوان بخشی از چپ سراسری دچار تحول شد و با همان ویژگیها و تجارب چپ سراسری قابل توضیح است. زیرا چپ کردستان همانند چپ سراسری تحت تاثیر گرایشات و تحولات چپ در ایران و همچنین چپ در سطح بین المللی بوده است. برای مثال تشکیل حزب توده از دهه بیست شمسی به بعد در کردستان هم تأثیراتی داشت و بخشی از جریانات سیاسی کردستان همانند محافل و افراد روشنفکر و اشخاص عمدتا تحت تاثیر حزب توده بودند. تا آن زمان هنوز سازمان و جریان مطرحی به نام چپ خارج از حزب توده شکل نگرفته بود. حتی حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان اولین حزب سیاسی

نسرین رضانعلی: در این برنامه از تلویزیون ایسکرا مصاحبه ای داریم با محمد آسگران. موضوع برنامه در مورد چپ سنتی و تاریخ آن در کردستان ایران است. من فکر میکنم چپ در کردستان جنبشی قوی و بالنده است، انتظار از ما این است که تاریخ این چپ را بررسی کنیم و من در این مصاحبه میخواهم سوالاتی در این زمینه از شما بپرسم و پاسخ را جویا شوم. ابتدا بگویید چپ به عنوان یک سازمان و جریان جدی از کی وارد سیاست و جامعه کردستان در تاریخ معاصر ایران بطور موثر شد.

محمد آسگران: کردستان ایران همیشه تحت تاثیر مسائل سراسری بوده است و در مورد چپ و تاریخ

صفحه ۲

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران: در مورد کودتای ترکیه و تعرض به حقوق و آزادی های مردم

بدنبال شکست کودتای نظامیان در ترکیه در ۱۵ ژوئیه، موج دستگیریها و اخراجهای وسیع و توده ای در این کشور به جریان افتاده است. آخرین گزارشها نشان میدهد که تا این لحظه بیش از ده

هزار نفر از ارتشیان و قضات و کلا و کارمندان دولتی دستگیر شده اند. این نشاندهنده ابعاد وسیع تصفیه درونی صفوف حکومت از مخالفین دولت اردوغان است. اما صفحه ۷



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

وقتی در کشوری که دولتش اسلامی است و اسلام سیاسی حرف آخر را میزند!



نسرین رضانعلی

سالنگ صورت پذیرد. هزاره های افغانستان و مردم استان های مرکزی که معترضان اصلی به تغییر مسیر پروژه هستند، از همان روز نسبت به این تصمیم اعتراض کردند. چرا که اساسا بر این باورند که انتقال برق از مسیر بامیان مصوب شده بود و این در حالیکه

صفحه ۷

جنبش روشنائی، متشکل از مردم معترض به یک پروژه برق رسانی دولت افغانستان است. جنبش روشنایی پس از آن شروع شد که دولت اشرف غنی در جلسه روز ۱۱ اردیبهشت سال جاری در کابینه مصوب کرد تا پروژه انتقال برق آسیای مرکزی موسوم به «توتاپ»، به جای بامیان از مسیر

حفظ بیضه اسلام

روحانی رئیس جمهور اسلامی ایران روز دوشنبه ۱۸ ژوئیه به اردوغان میگوید: «ما همانطور که برای ثبات و امنیت کشور خودمان تلاش می کنیم، وظیفه داریم برای ثبات و امنیت

همسایگان و کشورهای اسلامی دوست نیز احساس مسئولیت کنیم.» پیام «امنیت» برای حاکمیت اسلام توسط یک جنایتکار اسلامی مشخص است. جمهوری اسلامی برای حفظ بیضه اسلام هزاران نفر از مردم آزادیخواه و انقلابی را بجوخه اعدام

صفحه ۷



نسان نودینیان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان، نسرین رضانعلی

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

صفحه ۸

تهیه و تنظیم:یدی محمودی

مروری بر راهپیمایی مردم سندج در حمایت از کوچ تاریخی مردم مرپوان

صفحه ۶

عبدال کلپریان

باید حقوق مقامات و مدیران جمهوری اسلامی به جامعه اعلام شود!

روزنامه مردمی و انقلابی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تاریخ چپ در کردستان و...

ناسیونالیست کرد سالها به عنوان بخشی از حزب توده فعالیت میکرد. رهبران اصلی این حزب از ابتدای تشکیل آن در هماهنگی و به عنوان بخشی از جریان پرو سویت آن زمان فعالیتشان را آغاز کردند و تحت تاثیر سیاستهای استالین بودند. همچنانکه حزب توده در سطح سراسری بعد از حزب کمونیست اول در دوران رضا شاه اولین حزب نزدیک به شوروی بود و پرو استالین بودن حزب توده امری آشکار و غیر قابل انکار است. در آذربایجان نیز پیشه وری سیاستهای استالین را پیروی میکرد و بخش جدایی ناپذیری از حزب توده بود. همه جریانات کوچک و بزرگ ایران در دوران جنگ جهانی دوم تحت تاثیر سیاستهای حزب توده و یا بخشی از آن بودند.

اما در مورد کردستان لازم است تاکید کنم چپی که موثر باشد و به عنوان يك جریان اجتماعی جدی بشود از آن حرف زد از بعد از انقلاب سفید و اصلاحات ارضی نطفه هایش بسته میشود و حیاتش آغاز میگردد. زیرا از دهه چهل شمسی به بعد و بعد از اصلاحات ارضی قشر وسیعی از دهقانان از زمین کنده شده و به عنوان کارگر وارد بازار کار میشوند. با رشد سیستم تولید سرمایه داری تحول بزرگ اجتماعی رخ میدهد و قشر جدیدی از جمعیت به عنوان کارگر وارد مناسبات تولیدی میشوند. از همان بدو تولد این قشر، طبقه کارگر به عنوان يك طبقه اجتماعی موثر جدالش با طبقه حاکم آغاز میشود. در دل جدال کار و سرمایه طبقه کارگر نیازهای خود را به جامعه تحمیل میکند و بوجود آمدن و شکل گرفتن چپ جامعه کردستان در حقیقت پاسخی به این نیاز است. زیرا بر متن و زمینه های اجتماعی فوق است که چپ امکان بوجود آمدن و رشد پیدا میکند.

در این مقطع از تاریخ یعنی اواسط و اواخر دهه چهل محافل و جمعهای چپ در کردستان شکل میگیرند. اما این چپ همچنانکه قبلا گفتم تماما تحت تاثیر تحولات و گرایشات چپ ایران است. تنها فاکتور تاثیر گذار محلی در میان چپ کردستان این است که در اواخر دهه چهل شمسی جنبشهای

ناسیونالیستی کردستان ایران و عراق، رنگ سنتها و افق خود را به این چپ که بخشی از چپ سراسری محسوب میشود میزنند. بنابر این چپ متشکل کردستان در اصل به عنوان بخشی از چپ سراسری و در آن چهارچوب شکل میگیرد. اما سنتها و سیاستهای ناسیونالیستی محلی هم به مرور وارد زندگی و فعالیت آن میشود. بنابر این علاوه بر افراد و محافل پراکنده در کردستان، محافلی از چپ که بخشی از چپ سراسری هستند و هم تحت تاثیر سنتها و گرایش جنبش ناسیونالیستی کرد قرار میگیرند، طی پروسه ای چند ساله کومه له را شکل میدهند.

کومه له در ابتدا تماما تحت تاثیر چپ سراسری شکل میگیرد و همین چپ سراسری هم معلوم است تحت تاثیر ترندهای چپ جهانی است. چپی که خودش یا تحت تاثیر چپ روسیه است مانند حزب توده یا خود را مائوئیست میدانند و تحت تاثیر چپ چین است که به مائوئیستها معروفند و یا تحت تاثیر جریان چریکی کاسترو و چگوارا و... میباشد. جریانات چریکی که شاخص ترینشان سازمان چریکهای فدایی خلق است، خود را پیرو سنت چریکی میدانند و با فاصله ای نه چندان زیاد از حزب توده در اردوی سازمانهای پرو سویت قرار میگیرد.

همچنانکه میبینید علیرغم تفاوتهایی که این جریانات با همدیگر دارند همه آنها بر يك بستر شکل گرفته اند. بستری که نیاز پاسخگویی جدال کار و سرمایه از يك طرف و نیاز مقابله با استبداد و دیکتاتوری حاکمان وقت از طرف دیگر آترا بوجود آورده است. این واقعیت اجتماعی، کل فعالین جنبش چپ را به جستجو وادار کرده است. اما این چپ همزمان تحت تاثیر چپ جهانی آن دوره است که در قطبهای مختلفی قابل شناسایی هستند. در کردستان محافل و جمعهایی که بعدا کومه له را تشکیل دادند عمدتا تحت تاثیر مائوئیستها هستند و اساسا خود را چپ مائوئیست میدانند. گرایش این محافل و کومه له به سیاستها و تئوریهای مائو عملا يك فرهنگ و

سنت روستائی و گریز از شهر را در میان آنها تقویت میکند. این محافل خود را مدافع زحمتکشان میدانند. طبقه کارگر و جنبش کارگری و انقلاب کارگری و... در ادبیات و بوچون و سیستم فکری آنها غایب و یا بسیار کم رنگ است. زیرا کتابهای مائو مرجع اصلی و الهام بخش سیاست آنها بود و به این قناعت رسیده بودند که باید از راه محاصره شهر از طریق روستا به اهداف و امیالشان برسند.

به همین دلیل این محافل که عمدتا قشر تحصیل کرده بودند یا کتابهای مائو را خوانده بودند و یا حداقل بخشی از آن و مقالاتی از آنها را مطالعه کرده بودند. اما تقریبا همه آنها خود را نیازمند به خواندن کتابهای مارکس و انگلس نمیدیدند. و کمتر کسی بود که کاپیتال مارکس و دیگر متون کلاسیک مارکسیستی را خوانده باشد. به نسبت کتابهای مائو حتی کتابهای لنین هم در میان این محافل چندان رواج نداشت.

نسرین رمضانلی: حتی يك دهه

بعد از انقلاب ۵۷ گاها از اجزایی میشنوم که کردستان را به عنوان جامعه ای سرمایه داری نمیشناسند و آترا جامعه ای دهقانی و فئودالی میدانند.

محمد آستگران: این تحلیل و

ارزیابی از جامعه کردستان محدود به تعدادی از سازمانهای چپ و حتی سازمانهای مائوئیست نبود. تحلیلی عام بود که اکثر چپهای سنتی آن دوره اینطور فکر میکردند که جامعه کردستان هنوز دهقانی است چون فئودالها، طبقه حاکمند. در حالیکه جامعه کردستان همزمان با بقیه ایران تولید مسلط در آن تولید کالایی بود و جامعه کردستان تحت حاکمیت همان قانون و حکومتی اداره میشد که بقیه ایران. البته صاحبان این دیدگاه به يك غلطی از آن میگرفتند. واقعیت هم این بود که جامعه کردستان به دلیل سیاست دولتهای مرکزی عقب نگهداشته شده بود و همپای شهرهای بزرگ ایران پروسه مدرنیزاسیون را طی نکرده بود. مثلا در کردستان همپای تهران و مشهد و آذربایجان و اصفهان و شیراز.... بورژوازی با آن سرعت

رشد نکرده بود. صنعت و تولید کالایی مثل آنجا رشد نکرده و گسترش نیافته بود. به همین دلیل پروسه کندن دهقان از زمین و تبدیل آنها به کارگر بسیار دیرتر از بقیه ایران آغاز شد. همچنانکه قبلا اشاره کردم این پروسه در ابعاد وسیع اجتماعی از بعد از انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در کردستان آغاز شد. در حالیکه در شهرهای بزرگ ایران این پروسه قبلا با انقلاب مشروطیت و با قدرت گیری رضاخان وسیعا آغاز شده بود.

اما در کردستان عقب نگهداشته شد. به هر حال از دهه چهل شمسی به بعد این پروسه وسیعا آغاز و برای همه اقشار مردم ملموس شد. در این مقطع بود که قشر وسیعی از کارگران به شهرها روی آوردند و در حاشیه شهرها ساکن شدند. کومه له سازمان چپ آن دوره بود که بر متن چنین تحولاتی شکل گرفته بود. اما همزمان هم سنتهای چپ سراسری را با خود حمل میکرد و هم در کردستان تحت تاثیر سنتها و گرایش جنبش ناسیونالیستی کرد بود. به يك معنا سنتها و جهان بینی این دو گرایش در کومه له جایگاه مهمی یافتند. در همین دوره بود که کومه له به عنوان سازمانی مدافع زحمتکشان به این نتیجه رسید که باید فردی و شخصی فعالین و رهبران به کارگری روی بیاورند. اما در عمل اکثر آنها در روستاها مستقر شدند. علت گرایش به روستا در میان این سازمان این بود که تحت تاثیر تئوریهای مائو میخواستند در روستاها دارای نفوذ و اعتبار بشوند که از طریق تاکتیک محاصره شهر از طریق روستا به اهدافشان برسند. کومه له با این نوع فعالیت هم خود را سازمانی توده ای تشکیلاتی کار میدانست و مرز خود را باروش چریکی نشان میداد هم خود را برای دوره ای آماده میکرد که از طریق نفوذ در روستا بتواند همانند احزاب جنبش ناسیونالیستی کرد که از منظر آنها سازمانهای معتبر و الگوی فعالیتشان بودند هماهنگ کند و از روش آنها استفاده کند که بعدا در دوره بعد از انقلاب ۵۷ عملا این روش در کومه له دست بالا پیدا کرد و به سازمان خودمختاری طلب "رادیکالی" تبدیل شد.

این تحول هم طبیعی به نظر

میرسید زیرا سازمانی که به عنوان حزب يك جنبش اجتماعی و در اینجا جنبش کمونیستی طبقه کارگر خود را تعریف نکند به شکل خودبخودی و آمپریستی در جنبش حی و حاضر در کردستان که سنت ناسیونالیستی آن قوی و دارای تاریخ مبارزاتی بود و در کشور عراق هم تاثیرات مهمی داشت ادغام میشود و چنین شد. کومه له از بعد از انقلاب در این جنبش ادغام شد. از این مقطع به بعد عملا کومه له به عنوان سازمان چپ جناح خودمختاری طلب و جنبش ملی کردستان شناخته میشد نه جریانی کمونیستی که منافع کمونیستی طبقه کارگر را نمایندگی کند. این روش البته نفع زیادی به کومه له رساند. نیروی زیادی جذب کرد و قاطعیتش در مقابل رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی هم در میان چپ ایران به او اعتبار بخشید. کومه له اگر چه به سازمانی توده ای و چپ در کردستان تبدیل شد اما همزمان خود را از دستاوردهای مهم جنبش کمونیستی و مارکسیستی محروم کرد. زیرا محدودیت فکری و جنبشی حاکم بر این سازمان مانع این بود اوضاع مبارزه طبقاتی دوره خود در قرن بیستم را بشناسد و به عنوان کمونیستهای کردستان هم خود را نماینده جنبش کمونیستی طبقه کارگر بداند و هم راه حل مسئله ملی و ستم ملی را از این زاویه طرح کند. این موقعیت کومه له که هم خود را سازمانی چپ میدانست و هم غرق جنبش ملی کردستان شده بود تناقضی در سیستم فکری کومه له ایجاد کرده بود.

این تناقض بویژه بعد از تعرض جمهوری اسلامی به کردستان و عقب نشینی نیروی مسلح و بعد از تحمیل عقب نشینی به چپ و نیروهای اپوزیسیون در ایران و آغاز ۳۰ خرداد شصت سوالات بی پاسخ زیادی در صفوف کومه له طرح کرد. پاسخ به این سوالات از جانب اتحاد مبارزان و منصور حکمت کمک مهمی به کومه له کرد که بتواند انسجام خودش را حفظ کند.

کومه له در عین حال تمام و کمال هیچکدام از این گرایشات و سنتها را به تنهایی نمایندگی نمیکرد. اینکه کومه له جامعه

از صفحه ۲ تاریخ چپ در کردستان و...

کردستان را يك جامعه نیمه مستعمره نیمه فئودالی میدانست به این دلیل بود که هم زمینه اجتماعی بعد از اصلاحات ارضی که فوفا به آن اشاره کردم را نمیتوانست بشناسد و تحلیل کند هم تحت تاثیر تئوریهای مانو بود و هم بخش زیادی از چپ آن دوره اینطور فکر میکرد و کومه له تحت تاثیر سیاستهای آنها بود. حتی سازمانی مانند وحدت کمونیستی که بسیاری از فعالین آن، از اروپا به ایران برگشته بودند و به نوعی تحت تاثیر چپ اروپا بودند و از آنجا که باز تحت تاثیر این نوع تحلیل بودند و کردستان را با تعداد لوله های کارخانه هایش تحلیل و ارزیابی میکردند، بیانگر وضعیت بخشی از چپ آن دوره است. این چپ متوجه نبود که تولید کالایی و حاکمیت سیستم سرمایه داری الزاما در همه جای کشور مثل هم رشد نمیکند اما دلیل این عدم رشد هماهنگ را نمیتوانست تشخیص بدهد و به ارزیابی های سطحی میرسید که با واقعیت آن دوره جامعه کردستان به عنوان جامعه ای سرمایه داری و تسلط تولید کالایی خوانایی نداشت. این جریانات پروسه تحول جامعه از فئودالی به سرمایه داری را به عنوان يك دوره تاریخی و پروسه که با موانع متفاوتی مواجه میشد تشخیص نمیداد. با عکس گرفتن از این یا آن مناطق و مقاطع زمانی به نتایجی خلاف روند تاریخی زمان خود میرسیدند.

علاوه بر چپ سنتی حتی حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان حزب بورژوازی کردستان هم اینطور فکر میکرد. این حزب یکی از اختلافاتش با کومه له این بود که میگفت "ما در کردستان يك ملت داریم به اسم ملت کرد و کارگر و سرمایه دار در کردستان وجود ندارد و به همین دلیل احتیاجی هم به سازمانی چپ و کمونیستی و آلترناتیو کمونیستی نداریم". البته این حزب همانند پیشینیان خود حق داشت که جامعه را فرا طبقاتی توضیح بدهد زیرا خود را نماینده بورژوازی کرد میدانست و طبعا نمیتوانست و نمیخواست اینرا بپذیرد که جامعه کردستان طبقاتی است و جدال طبقاتی و نمایندگانی

سیاسی طبقات مختلف وجود دارند. حدکا آگاهانه خود را نماینده ملت کرد معرفی میکرد و هنوز هم این کار را میکند. زیرا اگر بپذیرد که جامعه کردستان طبقاتی است باید او هم خود را نماینده طبقه ای معرفی کند. طبیعی است که نمیتواند خود را نماینده طبقه کارگر معرفی کند و ناچار میشود که خود را نماینده بورژوازی کرد معرفی کند و در این صورت خود را از تاکتیک و فریب همیشگی بورژوازی محروم میکند، که همه آنها خودشان را نماینده ملت و نه طبقات حاکم معرفی میکنند.

در همین دوره فضای سیاسی حاکم بر چپ و جنبش ناسیونالیستی کردستان عراق هم فاکتور مهمی است که فضای سیاسی کردستان ایران و احزاب آنرا را تحت تاثیر قرار میدهد. رابطه دیرینه حزب دمکرات کردستان ایران با حزب دمکرات کردستان عراق و بارزانی از يك طرف و تاثیرات سیاستهای بلوک شرق که تاریخی دیرینه در ساختار حزب دمکرات داشت و رابطه کومه له با اتحادیه میهنی که در تقابل با حزب بارزانی درست شده بود از طرف دیگر سنتهای معینی را در ایران بوجود می آورد. هر کدام الگوها و آرزوهای خود را در میان جنبش کردستان عراق و شاخه ای از آن دنبال میکردند.

کومه له در چنین دوره ای و در چنین فضای سیاسی ای بعد از انقلاب سال ۵۷ پا به عرصه علنی فعالیت سیاسی میگذازد. از يك طرف تحت تاثیر گرایشات چپ سراسری و از طرف دیگر تحت تاثیر سنتهای جنبش ناسیونالیستی کردستان ایران و عراق است. بنابر این سنتها و سیاستهای دو ترند چپ سنتی و ناسیونالیسم کرد از ابتدای تشکیل کومه له در جهان بینی و سیاست و پراتیک آن شریک هستند. این دو گرایش تا به امروز هم در حیطه سیاسی کومه له نقش مهمی بازی میکنند. در هر دوره ای یکی از این گرایشات دست بالا پیدا میکند.

به این معنا کومه له هم با جریانات ناسیونالیستی کرد و هم با جریانات چپ سنتی متفاوت است. هم ترکیبی از هر دو آنها است و هم

تماما مثل هیچکدام از آنها نیست. خارج از نیت و خواست رهبران کومه له در دنیای واقعی تا مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران، سنتهای جا افتاده در جامعه، بر کومه له حکم میرانند. شاید بتوان اینطور بررسی و تحلیل کرد کومه له سازمانی است نه تماما جریانات ناسیونالیست کرد را نمایندگی میکنند و نه همانند جریانات چپ و کمونیست آن دوره ایران است.

بنابر این عدم انسجام فکری و گرایشی کومه له و نوسان آن در میان چپ و راست جامعه آن دوره ایران سوالات زیادی را برای رهبران کومه له طرح کرده بود و آنها به دنبال پاسخ و گرفتن جواب برای سوالات خود بودند. مباحث و جهان بینی و سیاستهای منصور حکمت و اتحاد مبارزان هنگامیکه مورد مطالعه فعالین و رهبران کومه له قرار گرفت آنها را مجاب کرد که سوالاتشان پاسخ گرفته است و همین دلیل مهمی بود که زمینه اتحاد دو سازمان کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست را فراهم آورد. در حقیقت فعالین و رهبران کومه له خود پاسخی به تحولات و معضلات جامعه آن دوره نداشتند بیش از اینکه صاحب پاسخ باشند ابهام و سوال داشتند. به همین دلیل کومه له راحت تر از بقیه سازمانهای چپ آن دوره توانست مباحث اتحاد مبارزان کمونیست را بپذیرد و شریک مهمی برای تشکیل حزب کمونیست ایران بشود. اما بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران کومه له متحول شد و گرایش ناسیونالیستی درون آن حاشیه ای گردید و ساکت شد.

تلاش همیشگی و تعطیل ناپذیر منصور حکمت برای متحول کردن سیاست و سنت پراتیکی کل چپ متشکل در اتحاد مبارزان و حزب کمونیست ایران و به تبع جامعه، ناشی از شناخت عمیق و دقیق او از جان سختی وجود این گرایش و رسوبات چپ سنتی بود. به همین دلیل از روز بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران تغییر و متحول کردن سنت فعالیت و تدقیق سیاست حزب در اولویت منصور حکمت قرار گرفت. همچنانکه میدانیم طرح مباحث کمونیسم کارگری و نقد این نوع چپ هم در حزب و هم در ابعاد اجتماعی و جهانی یکی از تلاشهای

مهم و گرانبهای منصور حکمت برای متحول کردن این چپ بود. در این پروسه بود که از حزب کمونیست ایران جدا شد و حزب کمونیست کارگری ایران را بنیاد نهاد.

نسرین رضاعلی: کدام سنتها به کومه له و به جامعه تحمیل شد که مانع پیشروی بودند؟

محمد آسگران: برای درک و روشن شدن منظوم اجازه بدهید کمی به تاریخ این تحولات در کومه له و جامعه کردستان برگردیم. ببینید بعد از انقلاب که رژیم با خواسته های مردم کردستان مخالفت میکند و مردم کردستان تحت تاثیر احزاب با نفوذ آن زمان مخالفت خود را با حکومت ابراز میکنند. هم حزب دمکرات و هم کومه له نقش اصلی را در بوجود آمدن این فضا داشتند اما هر کدام برای اهداف مورد نظرشان و جنبشی که خود را نماینده آن میدانند. بحثی که هنوز با کومه له داریم و نتوانسته آنرا هضم کند این است که ما در کردستان با يك جنبش به اسم جنبش واحد و يك دست در کردستان مواجه نیستیم بلکه در کردستان ما با دو جنبش چپ و راست، کمونیستی و بورژوازی دو جریان مواجه هستیم. حزب دمکرات حق دارد همانند بقیه احزاب ناسیونالیستی و بورژوازی بگوید ما همه ملت کرد یکی هستیم، کارگر و سرمایه دار نداریم. طبقاتی وجود ندارد و به همین دلیل اختلاف طبقاتی و جنبشهای متفاوتی هم وجود ندارند. بلکه يك جنبش به اسم جنبش کردستان یا جنبش ملت کرد داریم و بس. اما کومه له که خود را يك سازمان چپ تعریف میکند نمیتواند مدعی يك جنبش واحد در کردستان باشد مگر اینکه خود را جناح چپ جنبش ملی فرض کند. حزب دمکرات طبیعی است که بگوید ما يك منفعت ملی واحد داریم و حزب دمکرات آنرا نمایندگی میکند. اما کومه له ای که خود را چپ و کمونیست میدانند یا باید خود را نماینده جنبش کمونیستی طبقه کارگر تعریف کند و به این قناعت برسد در کردستان دو جنبش طبقاتی مختلف وجود دارد یا در همین تناقض بسر ببرد که خود را چپ و کمونیست معرفی کند و در عین حال از جنبشی واحد به اسم جنبش کردستان که او نماینده جناح

چپ آن است، حرف بزند. کومه له تا کنون نتوانسته است خود را از این تناقض خلاص کند به همین دلیل هر از چند گاهی جناحی به اسم کومه له از آن جدا میشود و خود را نماینده کومه اصل و سابق و در عین حال نماینده جنبش کردستان میداند.

یکی از مشکلات و اختلافات ما با چپ سنتی و کومه له هم این است. ما بر این باور هستیم که در کردستان دو جنبش طبقاتی کمونیستی و ناسیونالیستی در عین حال که در جدال با جمهوری اسلامی هستند دو منفعت طبقاتی متفاوت را نمایندگی میکنند. اگر کسی این اصل را نپذیرد نمیتواند دلیل حضور و تاثیر حزب دمکرات و اختلاف خودش را با این حزب و جنبش ناسیونالیستی توضیح بدهد. متأسفانه کومه له هنوز نتوانسته است با این مشکل تکلیف خودش را روشن کند. رهبران کومه له در اظهار نظر و سیاست گذاری خود در کردستان هنوز از جنبش واحدی به اسم جنبش کرد و جنبش کردستان و جنبش انقلابی کردستان و... حرف میزنند. این در حالی است که ما در کردستان دو جنبش اجتماعی داریم یکی با ایدئولوژی ناسیونالیستی که منفعت بورژوازی کرد را نمایندگی میکند و آن یکی جنبشی سوسیالیستی است که خود را نماینده جنبش طبقه کارگر و محرومان جامعه و منتقد بورژوازی است.

کومه له هم بستر بوجود آمدنش و هم رشدش مدیون این جنبش و بر بستر این جنبش بوده است. کومه له بر اساس سنت و سیاست سمکو و قاضی محمد و شیخ محمود و بارزانی و طالبانی نبود که کومه له شد. يك دلیل اصلی عروج چپ و کومه له در کردستان این بود که جامعه کومه له را نماینده چپ آن جامعه میدانست و منتقد جنبش و حزبی بود که خود را جنبش کراتی و حزب دمکرات کردستان ایران معرفی میکرد. حتی مائوئیسمی که کومه له بر اساس آن تئوریهها شکل گرفته بود ربطی به قاضی محمد و شیخ محمود و بارزانی و... ندارد. مائوئیسم کومه له به دیدگاه روستایی آن و تئوری نیمه مستعمره نیمه فئودالی آن مرتبط است اما به

از صفحه ۳ تاریخ چپ در کردستان و...

حزب دمکرات و قاضی محمد و بارزانی و شیخ محمود و... بی ربط است. می‌خواهم بگویم حتی کومه له مائونیست هم نمیتوانست به این شکل بلاواسطه خود را جناح چپ جنبش ملی معرفی میکرد.

پس چه دلیلی وجود دارد که کومه له این چنین هم خود را چپ و هم مدافع جنبش عمومی کردستان معرفی کرده و میکند؟ چرا هنوز بر آن دیدگاه پافشاری میکند که از جنبشی واحد به اسم جنبش کردستان و جناح چپ آن تاکید دارد. این فاکتور مهمی در شناخت اجتماعی کومه له است که این سازمان هم تحت تاثیر جنبش چپ سراسری در دوره های مختلف بوده و هست و هم تحت تاثیر جنبش و سنت ناسیونالیستی کرد است.

بویژه هنگامیکه بعد از انقلاب سال ۵۷ که جمهوری اسلامی حاکمیت احزاب غیر از خودش و مردم در کردستان را نپذیرفت و جنگ را علیه مردم کردستان آغاز کرد قدم به قدم شعار خودمختاری همراه با جنگ مسلحانه در صدر مطالبات این احزاب و از این طریق به شعار اصلی مردم هم تبدیل شد. این مقطع نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم و تحول مهمی است که سنت و گرایش ناسیونالیستی با توافق چپ در کومه له به اوج قدرت خود میرسد. در این مقطع زمانی یعنی از تاریخی که جمهوری اسلامی با خواست مردم کردستان مخالفت میکند تا مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران یک دوره چند ساله است که کل جامعه تحت تاثیر شعار خودمختاری قرار گرفت. از کومه له تا حزب دمکرات از پیکار و چریک و رزمندگان تا شیخ عزالدین حسینی و تمام اقشار مردم بر محور شعار خودمختاری در یک جبهه قرار میگیرند.

اما اگر از زاویه دیگری به این تحولات نگاه کنیم میبینیم که مردم تا هنگامیکه امکان اعتراضات توده ای خیابانی دارند و میتوانند قدرت خود را در خیابان به نمایش بگذارند، خود را دخیل در تحولات سیاسی و تعادل قوا و سرنوشت احزاب میدانند. ولی از دوره ای که جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم شروع میشود و نیروی پیشمرگ

ناچار به عقب نشینی از شهرها میشود، همان مردم تاثیر گذار و کارگران و جنبش چپ و فعالین عرصه های مختلف که نقش اصلی در سیاست دوره قبل از جنگ را داشت و مانع سازش حزب دمکرات و خمینی شدند و هر روز کومه له را هم تحت فشار قرار میدادند که چپ تر و قاطع تر عمل کند، همه اینها به نیروی پشت جبهه جنگ مسلحانه و نیروی پیشمرگان تبدیل شدند. بنابر این میبینیم که معادله به عکس خود تبدیل میشود به جای اینکه نیروی مسلح در نقش بازوی نظامی جنبشهای اجتماعی عمل کند، جنبشهای اجتماعی حاشیه ای میشوند و فعالین این جنبشها به نیروی کمک کننده و پشت جبهه نیروی مسلح تبدیل شدند.

حتی در اواسط دهه شصت شمسی یعنی یکی دو سال بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران که منصور حکمت این معادله معکوس را به نقد کشید و تلاش کرد که مکانیسمهای واقعی اجتماعی را به یاد رهبران کومه له بیندازد و تاکید اصلیش بر جنبش کارگری و دیگر جنبشهای حق طلبانه بود و این بحث را در نقد چپ سنتی ایران بیان میکرد و گوشه ای از آن در کردستان معنی عملی شد، باز هم تشکیلات سازی با هدف کمک به تامین مایحتاج نیروی نظامی و پیشمرگ نگرسته میشد. چنانچه تشکیلات مخفی ما به جای اینکه فعالیت اجتماعی خود را بر محور سازمان دادن تشکلهای توده ای عرصه های مختلف و تحمیل خواسته های اقشار متفاوت مردم بویژه جنبش کارگری متمرکز کند و قائم به ذات رهبران و سخنگویان و چهره های خودش را به جامعه معرفی کند، عملاً به سازمان دهنده جمع آوری دارو و تدارکات و مایحتاج نیروی نظامی و مخفی کردن زخمیهای این نیروی مسلح و طرح تدارک عملیات نظامی متمرکز بود. با این سبک و روش هم ضربه خوردیم هم مدت طولانی طول کشید که یک بار دیگر جنبشهای اجتماعی و فعالین آن جایگاه واقعی خود را باز یابند.

کسانیکه هنوز با نوستالژی یک دوره تاریخی حاکمیت کومه له در

شهرها زندگی میکنند و اتفاقات آن دوره، تمام افتخارات آنها و هم و غمشان را تشکیل میدهد بیش از اینکه به تاریخ چپ کومه له افتخار کنند به آن افتخار میکنند که چرا آن دوره قدر قدرتی گرایش ناسیونالیستی از دست رفت. آنها نگران کم رنگ شدن سنت ناسیونالیستی در یک دوره معین در کومه له هستند. مخالفت ناسیونالیستهای درون کومه له با منصور حکمت و بعداً کمونیسم کارگری بر این تحول تاریخی تکیه میکنند و غبطه آن دوره را میخورند. به همین دلیل است که میگویند فارسها آمدند کومه له را خراب کردند. زیرا با تشکیل حزب کمونیست ایران این گرایش حاشیه ای و کم تاثیر شد. آنها خود را شکست خورده تاریخ تشکیل حزب کمونیست میدانند.

درحالیکه عقب نشینی و ناکار آمدی این سنت از همان سال ۵۹ آغاز شد و عقب نشینی نیروهای مسلح پیشمرگ از شهرها یکی بعد از دیگری سر آغاز افول آن سنت بود. این در حالی است که حزب کمونیست ایران سال ۶۲ تشکیل شد.

اکنون با تمام افت و خیزهایی که اتفاق افتاده است این موضوع تثبیت شده و درستی آن روشن شده است که جنبشهای اجتماعی شهری اصل و پایه هر تحول اجتماعی هستند. کسی نمیتواند و یا جرات ندارد آنرا انکار کند. در شهر هم جنبشهای اجتماعی و فعالین سیاسی و شهری مرکز و محور تحولات هستند نه نیروی نظامی و فعالیت پیشمرگایستی. اما موضوعی که باید قابل توجه باشد این است که همین فعالین شهری هنوز به نوعی متاثر از همان سنت قبلی در کردستان هستند. اگر دیروز نیروی پشت جبهه بودند امروز تنها یک قدم متحول شده اند و هنوز بخش زیادی از این فعالین خودشان را هوادار این یا آن سازمان و نیروی مسلح تعریف میکنند. بخش قابل توجهی از همین فعالین خود را نه در قامت رهبر جامعه بلکه هوادار این و آن تعریف میکنند.

همینکه گفته میشود حضور نیروی مسلح باعث خوشحالی مردم و ارتقا روحیه و مبارزات مردم است واقعی است زیرا بخش زیادی از این

فعالین هنوز برای متحول کردن جامعه منتظر یک نیروی دیگری خارج از جنبشهای شهری و اجتماعی تحت عنوان نیروی مسلح هستند.

این درست است که هر کس بپسند جمهوری اسلامی ضربه میخورد خوشحال میشود من هم از این خوشحالم که نیروهای سرکوبگر رژیم تضعیف بشوند. اما آنچه باید مد نظر ما و همه فعالین جنبشهای شهری باشد این است اگر جنبشی قدرتمند شهری شکل نگیرد و رهبران این جنبشهای انقلابی به رهبران جامعه تبدیل نشوند نمیتوان انتظار داشت که جمهوری اسلامی را شکست بدهیم.

نسرین رضاعلی: اساسا خود

چپ در ایران و طبعاً در کردستان هم هنگامی احساس قدرت میکند که انقلابی در جامعه رخ بدهد. زیرا تا قبل از دوران انقلابی، دیکتاتوری و خفقان امکان ابراز وجود به آنها نمیدهد. مثلاً در دوران انقلاب ۵۷ ایران اینرا تجربه کردیم. آیا دلیل این موقعیت قبل از انقلاب این نیست که گفته میشود چپ ایران کلا چپی جوان و کم تجربه است؟

محمد آسنگران: وقتی

میگوییم چپ ایران هنوز جوان است، کم تجربه است شاید به نسبت چپ اروپا و روسیه و... بشود اینرا گفت اما دوران جوانی بالاخره چند دهه قرار است طول بکشد. بالاخره هر جوانی یک روز بالغ میشود و به میان سالی میرسد و بزرگ محسوب میشود. در ایران تاریخ چپ به عنوان حزب و جریان اجتماعی از بعد از انقلاب مشروطه و بعد از سال ۱۳۰۰ پا به عرصه فعالیت گذاشته است. چپ ایران از مراحل مختلفی عبور کرده است ابتدا حزب کمونیست اول در همان اوان دوره قدرت گیری رضا شاه درست شد بعداً در ۱۳۲۰ حزب توده درست شد بعداً در دهه چهل شمسی سازمان چریکها تشکیل میشود و بعد از آنها انواع سازمانهای تشکیلاتی کار مانند کومه له، پیکار و رزمندگان و... درست میشوند. شاید بتوان چند دهه اول این پروسه چپ ایران را جوان خطاب کرد. اما اکنون حدود صد سال از عمر چپ در ایران میگذرد نمیتوان آنرا کم تجربه به دلیل جوان بودنش قلمداد کرد.

بنابر این از نظر من مشکل چپ ایران جوان بودن و کم تجربه بودن آن نیست مشکل این چپ جنبشی و طبقاتی است. چپ ایران عمدتاً برای اهدافی غیر کمونیستی و غیر کارگری سازمان داده شده است. اگر بطور مختصر نگاهی به احزاب چپ ایران بیندازیم میبینیم که حزب کمونیست اول خود را با مقدرات حزب کمونیست شوروی تعریف کرده است. حزب توده علاوه بر پرو روس بودن آن یک حزب ناسیونال رفرمیست است. همچنانکه کومه له در کردستان تحت تاثیر ناسیونالیسم کرد قرار گرفته، حزب توده هم تحت تاثیر ناسیونالیسم ایرانی و سیاستهای روسیه آن دوره بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق از اسمش پیدا است خود را فدایی میداند و میخواهد با فداکاری موتور کوچک روزی موتور بزرگ به حرکت در بیاید. هیچ برنامه و سیاستی برای بقول خودشان موتور بزرگ که جامعه باشد ندارند. این سازمان هیچ دوره ای ادعایی برای کسب قدرت و نمایندگی یک طبقه اجتماعی نداشته است. جوانان فداکاری بودند که ویژگی بارز شان این بود خود را فدا کنند و جسارت از خودشان نشان بدهند. بعداً که خواستند در سیاست دخیل بشوند بخش عمده آنها در کنار خمینی قرار گرفتند.

سازمانهای خط دو و سه مانند راه کارگر و پیکار و کومه له و... اساساً جریاناتی پوپولیست غیر کارگری بودند که بجز کومه له که تاریخ آنرا مختصراً توضیح دادم بقیه هیچ وقت نتوانستند به یک جریان توده ای تبدیل بشوند و در تناقضات خود سرگردان شدند و با تعرض رژیم اسلامی از صحنه سیاست اثری از آنها نماند. کومه له یک شانس داشت آنهم اینکه توانست خود را به یک جنبش اجتماعی وصل کند و با تشکیل حزب کمونیست ایران از سرگردانی چپ ایران بدور ماند.

تصور کنید اگر کومه له وارد پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران نمیشد سرنوشتش اولاً معلوم نبود همانند بقیه سازمانها نشود دوماً در بهترین حالت اکنون سازمانی مانند عبدالله مهتدی و یا حتی راست تر از آن میتوانست باشد.

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی



دستگیری

اشنویه؛ "فاروق پایمرد" از سوی ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال یافته است. "فاروق پایمرد" در هنگام بازگشت از ارومیه به شهرستان محل زندگی خود "اشنویه"، دستگیر و تاکنون هیچ اطلاعی از وی و چگونگی بازداشت وی در دسترس نیست و اداره اطلاعات این شهر نیز از هرگونه اطلاعاتی به خانوادگی نام برده خودداری ورزیده است.

سقز؛ "رسول خضری" توسط نیروهای لباس شخصی سقز بازداشت شده و تا کنون هیچ اطلاعی از وی در دست نیست.

سنندج؛ "شریف ساعدپناه"، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از جانب اداره اطلاعات شهرستان سنندج احضار و به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار گرفته است. شریف ساعدپناه به اتهام حمایت از "جعفر عظیم زاده" و همچنین دیدار با خانواده وی بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفته است.

دالاهو؛ روز شنبه ۲ مرداد، اطلاعات سپاه نبی اکرم، سه تن را به جرم حمله به یک مسئول حکومتی شهرستان دالاهو بازداشت نموده است. تاکنون سپاه پاسداران از اعلام مشخصات بازداشت شدگان خودداری نموده است. خبرگزاری "مهر" در این ارتباط اعلام نموده است که: "این سه تن از اعضای وابسته به حزب آزادی کردستان در ایلام، معروف به "پاک" هستند و مسئولیت این عملیات را به عهده گرفتند."

یک کولبر دیگر پس از چهار

روز زخمی شدن جان خود را از دست داد ۴۴ تیر؛ در ادامه تیراندازی

نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران به کولبران در مناطق مرز نشین کردستان، "درویش عادوری" جوان ۲۱ ساله اهل شهر سلماس جان خود را از دست داد.

یک زندانی در سنقر اعدام شد

سحرگاه روز دوشنبه چهارم مردادماه، حکم اعدام یک زندانی در محلی متروکه بنام "انبار نفت" در خارج شهر سنقر اجرا گردید. گفته می شود در میدان اجرای حکم، حضور کودکان چشمگیر بوده است. هویت فرد اعدامی، علیرضا احمدی ۳۶ ساله اعلام شده است. این مرد متهم است پس از ربودن حنانه غیبانی (دختر بیچه خردسال)، او را مورد آزار و اذیت قرار داده و سپس به قتل می رساند. (منبع خبر سایت کردپا)

چهارمین روز اعتصاب کارگران کشت و صنعت مهاباد

طبق گزارش دریافت شده، کارگران کشت و صنعت مهاباد امروز، چهارمین روزی است که در اعتصاب بسر می برند. کلیه کارگران واحد های کشت و صنعت مهاباد به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایا و معوقات دست از کار کشیده و اقدام به اعتصابی سراسری نموده اند. لازم به یادآوریست که شرکت فوق از زمان واگذاری به بخش خصوصی در بحران شدید مالی به سر می برد و در مدت این چند ساله بیش از صدها نفر از کارگران کشت و صنعت مهاباد اخراج گردیده اند و برخی واحدهای آن به کلی تعطیل شده اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۲۹ تیر ۱۳۹۵

ایجاد شرایط رعب و وحشت در کارخانه تراکتور سازی کردستان!

به گزارش رسیده از کارخانه تراکتور سازی کردستان، کارفرما تعدادی دوربین جدید برای کنترل کارگران در نقاط مختلف کارخانه نصب نموده است. این دوربینها که تعداد آنها ۱۶ عدد می باشد به تعداد ۱۸ دوربین قبلی اضافه شده و در مجموع این کارخانه به تعداد ۳۴ دوربین مجهز شده است.

کار گذاشتن دوربینهای جدید جهت کنترل و امنیتی کردن بیشتر محیط کارخانه و ایجاد نمودن فضای بی اعتمادی در بین کارگران میباشد. لازم به ذکر است که کارگران این کارخانه بارها در جهت بهبود وضعیت کاری و تحقق خواست و مطالبات برحق خود اعتراض کرده اند. این حرکت کارفرما (افزایش تعداد دوربین های کنترلی) نشان ترس و وحشت سرمایه داران و کارفرمایان از اعتراض کارگران می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری تیر ۱۳۹۵

گوشی های موبایل ثبت نشده در ایران از شبکه قطع می شوند

خبرگزاری فارس می گوید از روز، جمعه ۱ مرداد، گوشی های موبایل جدیدی که ثبت نشده باشند از شبکه اپراتورهای موبایل ایران قطع می شوند. به نوشته فارس به نقل از ستاد مبارزه با قاچاق در ایران گزارش کرده که گوشی های موبایل جدیدی که شماره سریال بین المللی (IMEI) آنها در سیستم های وزارت صنعت ایران ثبت نشده باشد به شبکه دسترسی نخواهند داشت. فارس می گوید شماره شناسایی گوشی هایی که پیش از این به هر ترتیبی وارد ایران شده و از آنها استفاده می شد، پیشتر ثبت شده است و به نظر می رسد مشکلی برای صاحبان آنها به وجود نخواهد آمد. فارس نوشته ثبت مشخصات "گوشی هایی که از این به بعد وارد کشور می شوند به دلیل مبارزه با قاچاق جدی گرفته خواهد شد". این طرح آزمایشی تا یک ماه اجرا

خواهد شد. مقام های حکومت برنامه جدیدی را برای برخورد با قاچاق گوشی های موبایل آغاز کرده اند. در همین رابطه روز چهارشنبه چند فروشگاه محصولات اپل در ایران پلمب شد. مقام های رژیم گفته اند اپل باید رسماً در ایران نمایندگی داشته باشد تا گوشی های آیفون در بازار به طور قانونی فروخته شوند.

ارائه لایحه دفاعی جعفر عظیم زاده به شعبه چهار بازپرسی دادسرای شهرستان ساوه

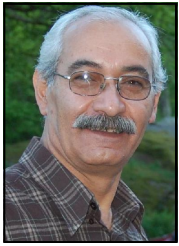
در پی احضار شعبه چهار بازپرسی دادسرای شهرستان ساوه، جعفر عظیم زاده که قبلاً توسط بازپرس این شعبه تفهیم اتهام شده بود، صبح امروز مجدداً پس از یک مهلت ۱۵ روزه همراه وکیل خود آقای محمدعلی جداری فروغی در این بازپرسی حاضر و لایحه دفاعی خود را به بازپرس این شعبه ارائه نمود. در کیفرخواستی که در دادسرای شهرستان ساوه بر علیه جعفر عظیم زاده تنظیم شده است به وی چهار اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور"، "تشویش اذهان عمومی"، "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" و "اخلال در نظم عمومی" وارد شده است. مصادیق این اتهامات در کیفرخواست مذکور کمک و مشاوره به کارگران اعتصابی کارخانه نورد و لوله صفا، تحریک کارگران کارخانه پروفیل ساوه به اعتصاب، تشکیل اتحادیه آزاد کارگران ایران، قرار گرفتن در راس این اتحادیه و مصاحبه و کار نوشتاری حول مسائل کارگری می باشد. جعفر

عظیم زاده در لایحه دفاعیه خود که حدود سه صفحه بود، ضمن رد قاطع این اتهامات، از فعالیت های صنفی خود که مصادیق این اتهامات قرار گرفته اند دفاع نمود. همچنین از فعالیت های اتحادیه آزاد کارگران که در جهت منافع و معیشت کارگران تلاش میکند، دفاع کرده و بر حق اعتراض کارگران برای دفاع از منافع و مطالباتشان برای بهبود زندگی شان تاکید نمود. جعفر عظیم زاده در این لایحه مجدداً برخواست اصلی خود که فعالیت های صنفی نباید با اتهامات امنیتی روبرو شود، تاکید گذاشت. لازم به ذکر است که بازپرس شعبه ۴ دادسرای شهرستان ساوه به آقای محمدعلی جداری فروغی وکیل جعفر عظیم زاده، اعلام کرد که فعلاً امکان دسترسی ایشان به پرونده در این مرحله وجود ندارد. در نتیجه وکیل نامبرده تا مدتی نامعلوم، به پرونده موکل خود جهت مطالعه و بررسی دسترسی ندارد. اتحادیه آزاد کارگران ایران اتهامات وارده به جعفر عظیم زاده را بی ربط و از اساس در راستای ایجاد رعب و وحشت و بستر سازی با بکارگیری اتهامات امنیتی به قصد سرکوب فعالیت های کارگری، معلمی و اجتماعی توسط دستگاه قضائی می داند و قاطعانه علیه این رویکرد دستگاه قضائی تا تغییر رویکرد مذکور و آزادی قطعی جعفر عظیم زاده و دیگر فعالین دربند به مبارزات خود ادامه خواهد داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۳۰/۴/۱۳۹۵



مروری بر راهپیمایی مردم سنندج در حمایت از کوچ تاریخی مردم مریوان



عبدل کلپریان

درگیر میشود. در جریان درگیری تعدادی از خانها و مالکان کشته میشوند و بقیه با په فرار میگذارند و در کنار نیروهای رژیم اسلامی پناه میگیرند.

در طول چهار ماه اول سال ۵۸ تقریباً سراسر شهرهای کردستان در یک رویارویی نظامی سیاسی و اعتراضی در مقابل حاکمان جدید قرار میگیرد. سنندج، مهاباد، مریوان، نقده، کامیاران، دیواندره و پایه جبهه های نبرد بین قیام کنندگان ۵۷ با ارتجاع محلی و ضد انقلاب اسلامی قدرت رسیده است.

۲۶ مرداد ۵۸ جنگ سختی بین طرفهای درگیر در پایه در میگیرند. رژیم اسلامی چمران را مامور پایان دادن به "غانله" پایه میکند. شهر در دست مردم و نیروهای سیاسی مسلح است. قوای حکومت برای تصرف شهر از راه زمین قادر به این کار نمیشوند. نیروهایشان در داخل شهر پایه متحمل تلفات زیادی میشوند. از راه هوایی نیز

هلیکوپترها در تیر رس نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و مردم قرار میگیرند. شکست نیروهای رژیم در پایه سبب میشود که خمینی راسا بعنوان فرمانده قوا و با همیاری دولت موقت به تمام نیروهای مسلح ارتش و سپاه، فرمان حمله به پایه را صادر کند.

فرمان خمینی برای حمله به پایه پیش درآمد حمله ای سراسری تر به تمام کردستان بود. خمینی در پیامی که برای آن مهلتی ۲۴ ساعته تعیین کرده بود از تمامی نیروهای مسلح میخواهد که در این مدت زمان وارد عمل شده و پایه را از دست به گفته او "اشرار" آزاد کنند. خمینی و دولت موقتش که مدعی مذاکره برای حل مسایل کردستان بودند به یکباره طرفهای مذاکره کننده یعنی نمایندگان مردم کردستان، سازمانهای سیاسی و کلا مردم قیام کننده علیه رژیم پهلوی را اشرار و سران اشرار لقب داد.*

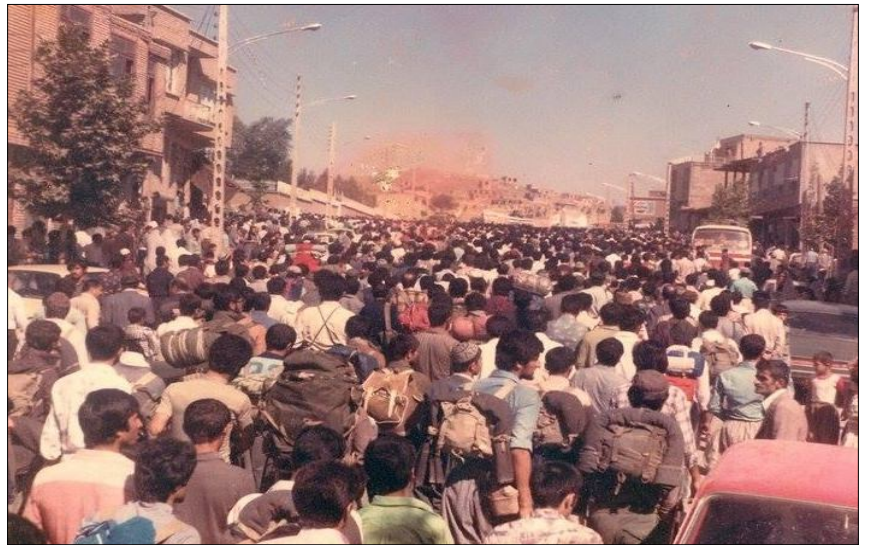
طرف مریوان، جریان لپن اسلامی مفتی زاده هر روز در میان مردم حاشیه ای تر میشد.

روز بعد از بازگشت کوچ کنندگان مریوان به داخل شهر، حزب دمکرات کردستان عراق (قیاده موقت) که با رژیم اسلامی همکاری میکرد. اعلام کرد که شهر باید تحت کنترل آنها اداره شود. مردم شهر مریوان در اعتراض به جریان قیاده موقت در همیاری و همدستی با ارتجاع محلی و رژیم اسلامی، در محل دژبانی این شهر متحصن شده و خواهان خروج پاسداران از شهر شدند.

فرمانده پادگان با متحصنین به گفتگو نشست و قول داد که به وضع موجود رسیدگی کند. نیروهای قیاده موقت با همکاری پاسداران و مزدوران محلی و فتوادهای منطقه، از روستای دزلی در ۵ کیلومتری مریوان به سوی این شهر حرکت کردند. در این موقع خبر رسید که تعداد زیادی از مردم اورامان در روستای "قوزی قلا" در محور روانسر پایه و در ۱۰ کیلومتری پایه تحصن کرده اند. تحصن و اعتراض مردم پایه نیز به حضور پاسداران در این شهر صورت گرفته بود.

سالار جاف نماینده سابق مجلس شاه تعدادی از ملاکین و عشایر منطقه را بدور خود گرد آورده بود و در تلاش بود که اختلافات قدیمی بین مردم پایه و عشایر جاف را دامن بزند. از سوی دیگر حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی همزمان با اعزام ستونهای نظامی ارتش و سپاه را به منطقه، دست مرتجعین محلی مکتب قرآن مفتی زاده را باز گذاشته بود و خانهای منطقه را علیه ادامه حرکت انقلابی مردم کردستان بسیج میکرد. در مرداد ماه ۵۸ تقریباً تمامی مناطق کردستان درگیر یک وضعیت بحرانی شده بود که جریان مذهبی و ضد انقلابی خمینی به مردم تحمیل کرده بود.

در ۲۵ مرداد ۵۸ در روستای " که رفتو " از توابع دیواندره، بین خانهای مسلح این منطقه در یک جبهه و در جبهه مقابل آنان کومه له و چریکهای فدایی درگیری روی میدهد. کومه له در دفاع از دهقانان و کارگران روستاهای منطقه دیواندره با خانها و مالکان مسلح این منطقه که از رژیم اسلامی دفاع میکردند



مشهور بود، مستقیماً در همراهی با رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی با تمام توان همکاری میکرد. راهپیمایان سنندج به مریوان، بعد از یک هفته به اردوگاه رسیدند و مورد استقبال گرم مردم کوچ کرده مریوان قرار گرفتند. شورش و شوق و همبستگی غیر قابل وصفی تمام فضای اردوگاه را در بر گرفته بود.

فواد مصطفی سلطانی در جریان مذاکرات و برای جلوگیری از وقایعی نظیر آنچه رژیم اسلامی در سنندج بر مردم تحمیل کرده بود با نمایندگان دولت توافقاتی را به امضا رساند. از جمله عبور و مرور بدون سلاح نیروهای دولتی و سازمانهای سیاسی در داخل شهر و آزادی دستگیر شدگان در پادگان مریوان.

روز ۱۲ مرداد ماه گردهمایی بزرگی در اردوگاه کانی میران بعنوان پایان این حرکت عظیم و با صدور قطعنامه ای ۵ ماده ای برگزار شد. بر بستر وقایع کامیاران، کوچ مردم مریوان و راهپیمایی مردم سنندج

رژیم اسلامی که این همبستگی سراسری مردم کردستان را میدید بهراس افتاد و میکوشید تا برای خنثی کردن آن کاری صورت دهد. بطور موقت اقدام به عقب نشینی کردند و هیئتی را برای حل اختلافات و مشکلات موجود روانه مریوان کردند. ابتدا فردی از سران سپاه را برای مذاکره فرستادند. نمایندگان مردم مریوان و در راس آنها فواد مصطفی سلطانی طرف مذاکره کننده بودند. فرمانده اعزامی از حضور و وجود پاسداران محلی در داخل شهر دفاع کرد و گفت: "در صورت عدم پذیرش این خواست، مردم باید خود را برای جنگ آماده کنند". مذاکرات یک هفته بطول انجامید. فواد هر روز نتایج مذاکرات را در اردوگاه به اطلاع مردم میرساند. مذاکرات به بن بست رسید.

در تمام طول وقایع و رویدادهای کردستان در مریوان، حزب دمکرات کردستان عراق که به قیاده موقت

اوایل مرداد ماه ۱۳۵۸ جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در اطلاعیه ای عنوان کرد که باید به کمک مردم کوچ کرده مریوان بشتابیم. زمزمه حرکت بسوی مریوان از سنندج گسترده شد. روز ۵ مرداد ۵۸ تجمع وسیعی از مردم برای راهپیمایی از سنندج به مریوان شکل گرفت.

هزاران نفر از مردم سنندج در میدان اقبال جمع شدند و حرکتی سازمانیافته برای راهپیمایی از سنندج به مریوان آغاز شد.

مسیر جاده خاکی سنندج مریوان مملو از جمعیت شد. در مسیر راه مردم روستاهای اطراف با راهپیمایان اعلام همبستگی کردند و سیل مواد خوراکی و نوشیدنی و هر گونه امکانات دیگر توسط روستائیان بطرف راهپیمایان سرازیر میشد. در شهرهای دیگر کردستان، مهاباد، سقز، بانه، سردشت و بوکان نیز راهپیمایی و برپایی کمپینهایی در پشتیبانی از مردم مریوان برافه افتاد.



بخشش یک اعدامی در پای چوبه دار در کرمان

یک زندانی متهم به "قتل" با گذشت و بخشش خانواده مقتول در پای چوبه دار، از اعدام رهایی یافت. اداره کل زندان استان کرمان اعلام داشت که زندانی محکوم به اعدام در کرمان با گذشت شاکیان در پای چوبه دار به زندگی دوباره برگشت.

در ایران ما با یک سونامی بخشش روبرو هستیم. بنا به گزارشات منتشر شده در سال ۲۰۱۵، ۲۶۲ مورد بخشش اولیای دم قرار گرفتند. این آمار نسبت به سالهای پیش از آن در حال افزایش بوده است. جنبش بخشش جلوه دیگری از جنبش "نه به اعدام" در ایران است.

مردم با این بخشش ها عملا دارند می گویند که با مجازات اعدام و قوانین قصاص جمهوری اسلامی مخالفند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن تقویت جنبش بخشش همگان را فرا می خواند

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۱ ژوئیه ۲۰۱۶
۳ مرداد ۱۳۹۵

از صفحه ۱ وقتی در کشوری که...

یکی از تصاویر که خود من را بشدت تحت تاثیر قرار داد این تصویر بود. مرگ بر تبعیض در همدردی با مردم افغانستان و همدردی با خانواده قربانیان این فاجعه انسانی این تصویر را منعکس کردم. من همینجا از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب از تمامی انسانهای که علیه تبعیض نابرابری مبارزه میکنند. از همه انسانهای علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی مبارزه میکنند، در همدردی با بازماندگان این جنایت و مردم افغانستان این تصویر را وسیعا نشر دهید.

وحتشناک تروریستی دیروز در افغانستان و تصاویر منشتر شده این جنایت غیره قابل تصور دنیا را بار دیگر مات و مبهور کرد. شقاوت و جنایت تروریستهای اسلامی مرزها را بیش از پیش درنوردیده است. امروز «در افغانستان مردم در عزای عمومی هستند» همچننین در اکثر کشورهای اروپائی تشکلهای مدافع حقوق بشر و انساندوست به همراه مردم افغانستان با روشن کردن شمع و تصاویری از این جنایت بار دیگر چهره کریمه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را نمایش خواهند داد.

که دولت اشرف غنی مدعی است این تصمیم در دولت حامد کرزی گرفته شده است. مردم معتقد هستند دولت کنونی با ایجاد تفرقه قومی مردم را بجان هم میاندازد، دلیلی ندارد پروژه ای ابتدا تصویب شده است سپس اجرا نشود. در اعتراض به این تصمیم دولت در ماههای اخیر تجمعات مردم در اعتراض به سیاستهای دولت در جریان بوده است. دیروز در حالی چندین هزار نفر جمع شدند که به این سیاست اعتراض کنند با انفجار سه بمب دهها نفر گشته و صدها نفر زخمی شدند. واقعه

از صفحه ۱ حفظ بیضه...

عروج مجدد آزادیخواهی و سوسیالیسم لگد مال میشود.

و در حاشیه؛
عجالتا اردوغان برای حفظ بیضه اسلام به دنبال نشست های فوق العاده و طولانی شورای امنیت ملی و هیات دولت که تا بامداد (پنجشنبه ۲۱ ژوئیه) به درازا کشید، با حضور در مسجد ملت در نهاد ریاست جمهوری ابتدا اذان گفت و سپس به عنوان پیش نماز، نماز صبح را به جا آورد. (منبع خبر از ایرنا)

نگار و فعالین سیاسی از خمینی اسلام سیاسی بسیار خوب آموخته است. ترکیه زیر دست اسلام سیاسی برای حفظ قدرت اردوغان اسلامی!
در صف بندی جدید منطقه ای برای دوره کوتاه مدتی اسلام سیاسی با محوریت جمهوری اسلامی و ترکیه در رکاب پوتین و روسیه میداننداری خواهند کرد. اما این دوره کوتاه است و بیضه اسلام سیاسی در ایران و ترکیه با

برد. میلیاردها دلار را در سوریه و برای حزب الله در لبنان و فلسطین و یمن وهزینه میکنند. هزاران مزدور و عناصر از سیستم اسلام سیاسی خودش را گوشت دم توپ جنگ کرده است.
دولت اسلامی اردوغان برای حفظ بیضه اسلام با گسیل گله اوپاش و مزدور و تا امن کردن زندگی مردم در ترکیه با دستگیری و اخراج های فله ای با شکنجه و اعلام شرایط ویژه کنترل زندگی مردم، جلوگیری از تظاهرات و گردهمایی، زندانی کردن رونامه



به مراتب تشدید خواهد کرد. از ابتدا روشن بود که کودتای نظامیان همچون همه کودتاهای نظامی یک حرکت ضد مردمی است و اساسا تلاشی است از جانب ژنرالها و اربابانشان برای فائق آمدن به بحران حکومتی و برای عقب راندن اعتراضات و بازداشتن جامعه از چرخش به چپ و رشد سکولاریسم و جنبش چپ و کارگری در ترکیه در فضای بحران عمیق حکومتی. شکست کودتا نیز جدا از تصفیه حسابهای درون حاکمیت، قرار است به همین هدف ارتجاعی و ضد مردمی کمک کند.

امروز حکومت اردوغان دور تازه ای از سرکوب مخالفانش را آغاز کرده و در تلاش آن است که تعرض به ابتدایی ترین حقوق کارگران و مردم ترکیه و مردم بخشهای کردستان و مخالفان سیاسی اش را که پیش از کودتا آغاز کرده بود در ابعاد وسیع تر و به شکل وحشیانه تری به پیش ببرد. در برابر این تعرض باید با تمام قوا ایستاد. این سرکوبگرها بر متن بحران و تشتت داخلی طبقه حاکمه ترکیه صورت میگیرد و تناقضات درونی حکومت با این بگیر و ببندها حل و فصل نخواهد شد. باید این واقعیت را در برابر چشم جامعه قرار داد و با تمام توان برای شکل دان به یک مقاومت و تعرض وسیع علیه دولت اردوغان و کل هیات حاکمه ترکیه تلاش کرد. باید دستگیریهای وسیع را به هر بهانه ای صورت بگیرد محکوم کرد و در برابر آن ایستاد.

ما از مردم شریف و نیروهای چپ و سکولار ترکیه در برابر تعرضات حکومت اردوغان دفاع میکنیم. ترکیه لحظات حساس و تعیین کننده ای را از سر میگذراند. باید در مقابل دولت اردوغان با تمام

جنبه مهمتر مساله ابعاد اجتماعی سرکوب است. تا کنون حدود ۶۰ هزار نفر از معلمان و استادان و روسای دانشگاهها از کار برکنار شده و بسیاری از آنها دستگیر شده اند و این آمار لحظه به لحظه در حال افزایش است.

دستگیریها و اخراجهای دهها هزار نفره که بلافاصله بعد از شکست کودتا به جریان افتاد، این نظر را ثابت میکند که حکومت اردوغان لیست وسیع و چندین ده هزارنفره ای را قبل از کودتا تهیه کرده و منتظر بهانه و فرصت مناسبی برای تعرض گسترده بوده است. این شرایط بیانگر بحران حکومتی عمیق و مزمونی است که گریبان بورژوازی و طبقه حاکمه ترکیه را گرفته است. اردوغان فتح الله گولن و نیروهای طرفدار او را، که یک شاخه اسلامی رقیب اردوغان را نمایندگی میکنند و در ارتش و دستگاههای دولتی حضور و نفوذ وسیعی دارند، عاملان کودتا معرفی کرده و آنها را دولت موازی مینامد. اما اخراجها و دستگیریهای اخیر صرفا دولت موازی را هدف قرار ن داده است بلکه اساسا تلاشی است برای سرکوب مخالفین دولت اردوغان در درون صفوف حکومت و در جامعه.

کودتا و ضد کودتا خود حاصل و نشانه بحران عمیق حکومتی و تشتت و تفرقه و سردرگمی در صفوف طبقه حاکمه ترکیه است که مدتهاست اساسا حول تقابل میان گرایش ناسیونالیسم کمالیستی و شاخه های مختلف اسلامیسیم در میان هیات حاکمه شکل گرفته است. شکست کودتا و تصفیه های بعد از آن قادر به حل و حتی تخفیف تقابل میان این گرایشها نیست بلکه برعکس بحران حکومتی و تشتت و تفرقه در میان بالائی ها را

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یدی محمودی



یدی محمودی

تشنج بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در شهر کرکوک!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۲۳ جولائی جنازه یکی از هواداران حزب دمکرات در شهر کرکوک پیدا می شود و خانواده وی اعلام کرده اند که هشت روز قبلتر توسط نیروهای امنیتی وابسته به اتحادیه میهنی بازداشت شده و آنها هیچ خبری از وی پیدا نکرده اند تا اینکه روز ۲۳ جولائی جنازه شکنجه شده او را پیدا می کنند. در این باره نیروهای حزب دمکرات در شهر کرکوک خواهان تحقیقات جدی در این باره شده اند و فراکسیون حزب دمکرات در پارلمان اقلیم هم با انتشار بیانیه ای خواهان دستگیری عامل یا عاملان این قتل شده. گرچه اتحادیه میهنی بازداشت و دست داشتن در کشتن این جوان ۳۳ ساله را رد کرده، اما حزب دمکرات غیر مستقیم همچنان اتحادیه میهنی را مظنون این اتفاق می داند و به همین خاطر روابط این دو حزب در شهر کرکوک به تشنج گراییده. لازم به ذکر است که هم اتحادیه میهنی و هم حزب دمکرات در طول حیات خود بارها مخالفین خود را و از جمله هواداران حزب رقیب را دستگیر، زندانی، شکنجه و دست آخر هم سر به نیست کرده اند و بعید نیست که این اتفاق هم کار نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی بوده باشد.

دیدار نماینده پارزانی با نوشیروان مصطفی!

بر اساس گزارش های منتشر شده اخیرا فواد حسین رئیس دیوان رهبری اقلیم به نمایندگی از مسعود بارزانی با نوشیروان مصطفی رهبر جنبش گوران دیدار و گفتگو کرده.

گرچه هیچ اخباری از موضوعات این گفتگو منتشر نشده، اما در طول یکسال گذشته این اولین بار است که حزب دمکرات و جنبش گوران با هم مذاکره و گفتگو می کنند. چندی پیش حتی دادگاهی در اربیل حکم بازداشت نوشیروان مصطفی را صادر کرده بود.

اعتراض مردم شهر ک تکیه به کمبود آب و برق!

روز ۲۳ جولای مردم شهرک تکیه واقع در مسیر شهرهای سلیمانیه کرکوک در اعتراض به کمبود آب و برق در این فصل گرما دست به اعتراض زدند و جاده سلیمانیه کرکوک را به مدت دو ساعت بستند. یکی از معترضین گفت: "ما در حالی از کمبود برق رنج می بریم که یک ایستگاه برق در شهرکمان وجود دارد". اعتراض مردم در حالی تمام شده که محمد صدیق مسئول اداره تکیه در میان جمعیت حاضر شد و قول داد که مشکل آب و برق مردم را حل کند. لازم به ذکر است که مردم بسیاری از مناطق اقلیم کردستان همیشه با کمبود آب و برق روبرویند و معمولاً در فصل گرما اعتراضات زیادی علیه حکومت اقلیم صورت می گیرد.

حزب دمکرات خواهان از سر گیری فعالیتهای پارلمان شد!

بر اساس گزارشهای منتشر شده اخیرا یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات به اسم کاکه مین نجار خواهان از سر گیری فعالیتهای پارلمان شده و اعلام کرده که: "ما آماده ایم که با دیگر جریانات بر سر شروع فعالیتهای پارلمان به شیوه ای نو گفتگو کنیم". لازم به ذکر است که حزب دمکرات روز ۱۲ اکتبر سال گذشته مانع رئیس پارلمان اقلیم و دیگر نمایندگان وابسته به جنبش گوران برای ورود به شهر اربیل شد و از آن تاریخ به بعد بحران سیاسی حکومت اقلیم همچنان ادامه دارد و پارلمان نتوانسته جلسات عادی خود را شروع کند.

ویکی لیگس اخباری مبنی بر ارتباط نماینده حکومت اقلیم با دولت اردوغان را افشا می کند!

بر اساس گزارشهای منتشر شده، اخیرا ویکی لیگس ایملهایی را منتشر کرده که نشان می دهد در دو سال گذشته چندین بار نماینده حکومت اقلیم کردستان در آمریکا با حزب اسلامی آ ک پ ترکیه ارتباط برقرار کرده و ایمیلهایی مختلفی را برای آنها فرستاده است. گفته می شود که بیان سامی عبدالرحمان نماینده حکومت اقلیم در واشنگتن که وابسته به حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی است اعلام کرده که وی نامه های حاوی اخبار و گزارشات را فرستاده و منتقدین حزب دمکرات می گویند چرا فقط اخبار فعالیتهای حزب دمکرات را برای حزب اسلامی ترکیه میفرستاده است؟. گفتنی است که بعد از کودتای ناموفق ترکیه ویکی لیگس ۲۹۴ هزار ایمیل و اسناد داخلی حزب اسلامی آ ک پ را علنی کرده که ایمیلهایی نماینده حکومت اقلیم به حزب اسلامی آ ک پ از جمله آنهاست.

حمله نیروهای داعش در نزدیکیهای کرکوک در هم شکسته شد!

بر اساس گزارشهای منتشر شده، شب ۲۲ جولای نیروهای داعش در نزدیکیهای شهر کرکوک به مواضع نیروهای پیشمرگه اقلیم حمله می کنند که با مقاومت پیشمرگان روبرو می شوند و وادار به عقب نشینی می شوند. گفته می شود که حمله داعش به مناطق استراتژیک خرابه روتنه و وادی نفت بوده که قبلا نیز بارها تلاش کرده اند که آنجا را به تصرف خود در آورند.

اعتراض مردم به مرگ یک جوان بر اثر عقرب گزیدگی!

روز ۲۳ جولای پسری ۱۴ ساله به اسم حسین شکور بر اثر عقرب گزیدگی به بیمارستان آزادی شهر کرکوک برده می شود که بر اثر نبود درمان عقرب گزیدگی بعد از شش

ساعت جانش را از دست می دهد. پس از این رویداد تعدادی از خانواده حسین و مردم شهر کرکوک در مقابل این بیمارستان دست به اعتراض می زنند. یکی از معترضین می گوید: "جان انسان بسیار با ارزشتر از آن است که بدلیل نبود داروی عقرب گزیدگی جانش را از دست میدهد. * * *

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹ ۶۰ ۶۰۳
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Maj
Post Bank Köln
Konto Nr. ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰
Post Bank Köln
IBAN: DE۵۷ ۳۷۰۱ ۰۰۵۰ ۵۸۳ ۶۵۷۵ ۰۲
BIC: PBNKDEFFxxx

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
Dixie Rd, Mississauga
L۴W ۲R۱
Account #: ۸۴۳۹۲ ۰۰ ۲۶۹ ۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵ ۱۳۵۰ ۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL۷۴ RABO ۰۱۵۱ ۳۵۰ ۲۴۸

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB۷۷ NWBK ۶۰۲۴ ۲۳۴۵
BIC: NWBK GB ۲L

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!